



بهمن زند سفیر وقت ایران در کشور عمان در ملاقات با سلطان قابوس | عکس: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

### جنگ در عمان، چرا و چگونه؟

## ایران در ظفار



**فردین مجلسی**  
دیپلمات پیشین  
ایران و کارشناس  
مسئله بین‌الملل

مسقط و عمان، یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای خاورمیانه است. مردم آن با بهره‌مندی از آموزش و بهداشت زندگی رابکان در رفاه و آسایش زندگی می‌کنند. این کشور نزدیک به پنجاه سال گذشته از ماجراجویی‌های نظامی و درگیری‌های سیاسی پرهیز کرده و در آمد نفت خود را صرف توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور کرده است و مردم آن از بالاترین استانداردهای آموزشی و فرهنگی و بهداشتی و مسکن و اشتغال در جهان برخوردارند. اما کشور قدیمی مسقط و عمان که زمانی دامنه نفوذ و حاکمیتش تا سواحل بلوچستان و تا ساحل آفریقایی زنگبار گسترده بود، در پنجاه سال پیش یکی از فقیرترین و عقب مانده‌ترین کشورهای جهان بشمار می‌آمد.

سعید ابن تیمور سلطان با نگرانی از اینکه مبادا افکار تجددخواهی سلطه استبدادی او را به چالش کشد، با هرگونه نفوذ تجددخواهی و نشانه‌های تمدن علمی و فرهنگی غربی در کشورش مخالف بود و در انزوای شدید درهای کشور را به روی خارج بسته بود. اما کشف نفت، خصوصاً در شرق ظفار در همسایگی ربع‌الخالی شبه جزیره عربستان نه فقط آن انزوا را تهدید کرد، بلکه طمع رقیب دیرین یعنی سعودی را نیز برانگیخت. فقط نفت نبود. معمولاً تصور و ذهنیت مردم از عمان، همچون بخش‌های دیگر شبه جزیره عربستان یادآور سرزمینی صحرایی و خشک و تپه‌های شنی و رمل است. اما در ایالت ظفار میان دریای عرب و ربع‌الخالی، کوهستانی سرسبز و زیبا قرار دارد که یادآور بخش‌های شمالی جاده چالوس خودمان است.

یقیناً گذشته از تفاوت‌های مذهبی و فرهنگی، این طبیعت متفاوت نیز در طمع‌ورزی همسایه بزرگ

وهابی مؤثر بوده است. در سال ۱۹۶۲ عربستان با تحریک احساسات ضد نفوذ بریتانیا در عمان، نخستین حامی برپایی شورش در ایالت ظفار بود. آنان را مسلح می‌کرد و در خاک خود آموزش می‌داد. نیروهای محلی عمان با شمار و تجهیزات اندک از عهده آنان برنمی‌آمدند. سپس عراق هم وارد ماجرا شد و بخشی از شورشیان را برای آموزش در خاک خود پذیرفت. در مرحله بعد که جنگ داخلی یمن میان طرفداران امام بدر مخلوع و پیروان حوثی‌اش با حمایت عربستان و سرهنگ سالل با حمایت مصر ناصری جریان داشت، شورشیان ظفار نیز گرایش‌های ناصری پیدا کردند و با افزایش نفوذ چین در جنوب یمن که منجر به تجزیه یمن و تأسیس جمهوری دموکراتیک یمن شد، شورش ظفار نیز رنگ سرخ به خود گرفت و از اختیار عربستان خارج شد.

با گرایش شورش ظفار به چپ، شوروی نیز بیکار نشست و در اوج جنگ سرد که جنگ ویتنام بشدت ادامه داشت، به رقابت با چین به تجهیز و حمایت از شورشیان ظفار پرداخت.

در سال ۱۹۷۰ پادشاه کنونی عمان، سلطان قابوس فرزند سلطان سعید ابن تیمور، با کودتایی حکومت را به دست گرفت و با اعلام عفو عمومی به نظام ارتجاعی پدر پایان داد و درهای آن کشور را به روی مدرنیته و توسعه گشود. سلطان قابوس برای مقابله با شورشیان ظفار، ضمن بهره‌مندی از کمک‌های محدود بریتانیا، که مایل به خروج از منطقه و کاستن از هزینه‌های نظامی خود بود، از ملک حسین پادشاه اردن تجهیزات و کمک‌هایی گرفت. اما کفایت نمی‌کرد.

در سال ۱۹۷۲ چین با تغییر راهبردی بزرگی در سیاست خود، به تقدم توسعه‌طلبی و ماجراجویی‌های ایدئولوژیک پایان داد و به برنامه‌های توسعه اقتصادی روی آورد و به محض

برقراری رابطه سیاسی با رژیم پیشین ایران، به کمک‌های خود به شورشیان در ظفار پایان داد. در سال ۱۹۷۳ سلطان قابوس از ایران تقاضای کمک کرد.

شاه سابق ایران که با افزایش ناگهانی بهای نفت و نقشی که در اوپک داشت و مایل بود با خروج انگلیس از شرق سوئز به نوعی جایگزین نیروهای غیرومی در منطقه شود، با اعزام یک تیپ ۱۲۰ نفری هوابرد مجهز به هلیکوپتر شامل دو گردان موتوریزه به کمک سلطان قابوس شناقت. اینان توانستند راه استراتژیک عمان به سلاله را که شورشیان قطع کرده بودند بازگشایی کنند و راه ارتباطی ظفار به عدن را نیز بستند و مانع دستیابی شورشیان به کمک و تجهیزات اضافی شدند. به طوری که در نوروز ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) سلطان قابوس برای سپاسگزاری شخصاً به ایران آمد. در آبان همان سال عملیات پاکسازی شورشیان کمونیست به انجام رسید. اما تا مدتی نیروهای یمن جنوبی با کمک شوروی مستقیماً به شورشیان پیوستند. آخرین مقاومت‌های شورشیان ظفار در دی ماه ۱۳۵۴ پایان یافت.

رژیم پیشین ایران در جنگ سرد میان دو بلوک شرق و غرب خود را متعهد به غرب می‌دانست و معتقد بود که گروه غیرمتعهد و اقمار شوروی جمعاً بلوک کمونیستی یا ضد غربی را تشکیل می‌دهند و نگران آن بود که با توجه به کنترل کمونیست‌ها بر عدن و باب‌المندب، در صورت پیروزی آنها بر مسقط و عمان مسیر دریای عرب و خلیج عمان و تنگه هرمز که شبه جزیره مسندم مسقط مشرف بر آن است، موجب مزاحمت ایران بشوند.

داوری هرچه باشد، می‌توان گفت کسب تجربه گروه‌های نظامیان ایران که به نوبت به آن جبهه اعزام می‌شدند، برای ارتش ایران که تجربه جنگی نداشت، آموزشی عملی بود که ۵ سال بعد هنگام تجاوز صدام به ایران به‌کار آمد.



خامه‌ای تا پایان عمر معتقد بودند کامبخش نه تنها در مرگ او شوکه نشده بلکه برای سرویش نهادن بر خیانت خود، طی هماهنگی با رفقای خود (شوروی) امکان قتل عمد ارانی را فراهم کرده بود زیرا ارانی گرچه کمونیست بود اما احساسات ملی‌گراییی او نه از کامبخش نهان مانده بود و نه از رفقای روس.

اعلام پزشک زندان به مادر تقی ارانی مبنی بر وجود سم در خون او، روایت‌های اعضای ۵۳ نفر از رفتارهای مشکوک کامبخش، طرد کامبخش از سوی ۵۳ نفر پس از سقوط رضا شاه و آزادی از زندان و در نتیجه پناه بردن به شوروی و سرانجام پذیرش کامبخش به حزب تأسیس یافته توسط بقایای ۵۳ نفر (حزب توده) با دستور و تحکم اتحاد جماهیر شوروی نشان از آن دارد که پرونده ارانی گرچه تا حدود زیادی مسکوت مانده اما هنوز نمی‌توان آن را پرونده‌ای مخنومه دانست.

۱۰ بهمن  
۱۳۱۵

در مسیر  
تاریخ



### فوت آقای حاج شیخ عبدالکریم

شب شنبه ۱۰ بهمن ساعت یازده و نیم حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ عبدالکریم که از اجله علمای ایران بودند در اثر عارضه کسالت و ضعف مزاج بدرود حیات گفتند و صبح دیروز بر اثر انتشار خبر مزبور تمام اهالی قم برای تجلیل و تشییع جنازه خود را حاضر ساخته، ساعت



مراسم تشییع پیکر آیت الله‌حاج شیخ عبدالکریم حائری در شهر قم |

۱۲ ظهر شنبه مراسم تشییع جنازه مرحوم حاج شیخ عبدالکریم با احترامات کامل معمول گردید. چند هزار نفر جمعیت در مراسم تشییع حاضر شدند و جنازه پس از اجرای تشریفات مخصوص در مسجد بالا سر واقع در صحن بزرگ به خاک سپرده شد. خبر فوت آیت‌الله آقای آقا شیخ عبدالکریم نه تنها جامعه روحانی را بشدت متأثر کرده بلکه قلوب همه را قرین تأثر نمود. مرحوم آیت‌الله با خصایل حمیده و صفات پسندیده و میهن دوستی و نوع خواهی و ترویج دیانت اسلام، یک نفر روحانی حقیقی و یک نفر میهن پرست واقعی محسوب می‌شدند که همواره در راه رواج دیانت اسلام جاهد و پیوسته خواهان ترقیات و سعادت میهن بودند. مراتب نوع پرستی ایشان بر همه کس واضح بوده و همه می‌دانند که مرحوم آیت‌الله در موارد عدیده و واقعی که بلایای ارضی و سماوی موجب بدبختی جمعی از هم میهنان می‌شد با همت عالی و اخلاق کریم خود به کمک هم میهنان شتافته و وسایل مادی و معنوی، آلام آنان را تسکین می‌دادند....

روزنامه‌کوش-یکشنبه۱۱بهمن۱۳۱۵

### نگاهی به تاریخچه تأسیس کتابخانه مجلس شورای ملی

## گنجینه‌ای در پارلمان ایران

۱۰ بهمن  
۱۳۰۴



**دکتر علی‌ظفری**  
مدیر مرکز اسناد  
کتابخانه مجلس  
شورای اسلامی

از موضوعات جالب در تاریخ پارلمان ایران، اختلاف نظر در مورد تاریخ تأسیس کتابخانه است. اینکه درباره تأسیس کتابخانه در همان نخستین دوره در صحن علنی مجلس مباحثی در گرفت و حتی تشکیلات موقتی با عنوان کتابخانه وجود داشت، جای هیچ بحث و تردیدی نیست، به گواه اسناد موجود بویژه برخی خاطرات نمایندگان آن دوره و همچنین مشروح مذاکرات مجلس، دکتر «ولی‌الله خان نصر» نماینده اصفان سلمانی، حامی، میرآب، یخچالی، آب‌بند و اطای پایتخت نخستین نماینده‌ای بود که از تأسیس کتابخانه سخن به میان آورد. وی در این باره گفت:

«چون مرابرای کمیسیون لویاح قانونی و معارف معین کرده‌اند، لازم است این عرض را بکنم که در همه‌جای، پارلمان‌ها، یک کتابخانه خصوصی دارند که در آن از تمام معاهده‌نامه‌ها وقانون‌نامه‌های دول هست؛ اینجا لازم است که همچو کتابخانه دایر شده، از کتب فقهیه و معاهده‌نامه‌ها و دکها، تمام موجود باشد. اگر این کتابخانه مرتب نشود، قوانین ما درست تنقیح نمی‌شود.»

«احتشام‌السلطنه» دومین رئیس مجلس در دوره نخست نیز در خاطرات خود به تأسیس کتابخانه در همان دوره اشاره کرده و می‌نویسد: «تشکیل کتابخانه مجلس که با واگذاری کتب نفیس خطی



سالن کتابخانه مجلس شورای ملی

«امیرزاحسین خان مؤتمن‌الملک» رئیس دوران نخستین مجلس، از مراجعان فعال کتابخانه در این سال‌ها بود.

کتابخانه مجلس عبارت بود از دواناق تودرنو که در قسمت شرقی حوضخانه مجلس و زیر عمارت مشروطه واقع شده بود. این مکان اکنون پس از مرمت‌های سال‌های پیشین از شرایط مناسبی برخوردار شده و تغییر کاربری داده و بخشی از موزه مجلس به شمار می‌آید.

رفت‌وآمدهای نمایندگان مجلس به کتابخانه در سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۰۰ خورشیدی - که بجز یک سال، در باقی ایام مجلس تعطیل بود- موجب شد تا اشخاصی همچون مؤتمن‌الملک در ایجاد مکانی آبرومند و مستقل برای کتابخانه به فکر بیفتند. این مهم پس از مدتی با خرید خانه و باغ «عزیزالسلطان» (ملیجک) دربخش شرقی عمارت مشروطه و در دوره پنجم مجلس شورای اسلامی مهیا شد. این مکان با پیگیری‌های «سیدحسن مدرس» واریاب کیخسروشاهرخ خریداری و مقمر شد بخشی از آن عمارت با نظر استاد «جعفرخان معمار کاشانی» برای محل کتابخانه آماده‌سازی و تغییر کاربری یابد. سرانجام از سال ۱۳۰۲ خورشیدی این مکان برای انتقال کتاب‌ها آماده شد و به مرور تا سال ۱۳۰۴ که کتابخانه به‌صورت رسمی گشایش یافت، تجهیزات لازم نیز برای استفاده عموم فراهم آمد. نخستین میز و صندلی‌ها و قفسه‌های کتابخانه توسط استاد «علی نجاربروجردی» ساخته شد.

در نهایت به پیشنهاد «قاسم صوراسرافیل» و «علی‌اکبر دهخدا» و موافقت ارباب کیخسرو شاهرخ، «یوسف اعتصام‌الملک آشتیانی» (پدر پروین اعتصامی) به‌عنوان نخستین مدیر کتابخانه با یک معاون و یک کتابدار کار خود را آغاز کرد.

### چرچیل مرد

لندن- ۲۴ ژانویه- رويتر خبرگزاری فرانسه: ۱۵ دقیقه بعد از ظهر امروز به وقت تهران خبر رسید که سروینستون چرچیل نخست‌وزیر زمان جنگ انگلستان در گذشته است. چرچیل بهنگام مرگ ۹۰ سال داشت و از ۱۴ روز قبل در حال اغما بسر می برد. لرد موران پزشک مخصوص چرچیل رسماً اعلام کرد که چرچیل، مردی که به هیچ‌کس تسلیم نشده بود، در ساعت ۸:۱۵امداد امروز پس از یک مبارزه طولانی سرانجام به مرگ تسلیم شد. چرچیل ۱۴ روز قبل بر اثر یک سکته مغزی در بیهوشی فرو رفت و امروز فاش شد که خبر سکتها و چهار روز منکوم مانده بود. در تمام این مدت چرچیل در حال اغما بود و لحظه‌ای هم هوش خود را باز نیافت و تا دم مرگ از حادثه‌ای که بر او گذشته بود بی خبر ماند و در پی خبری محض بدرود حیات گفت.

روزنامه اطلاعات  
یکشنبه ۲ بهمن ۱۳۴۳



۴ بهمن  
۱۳۴۳